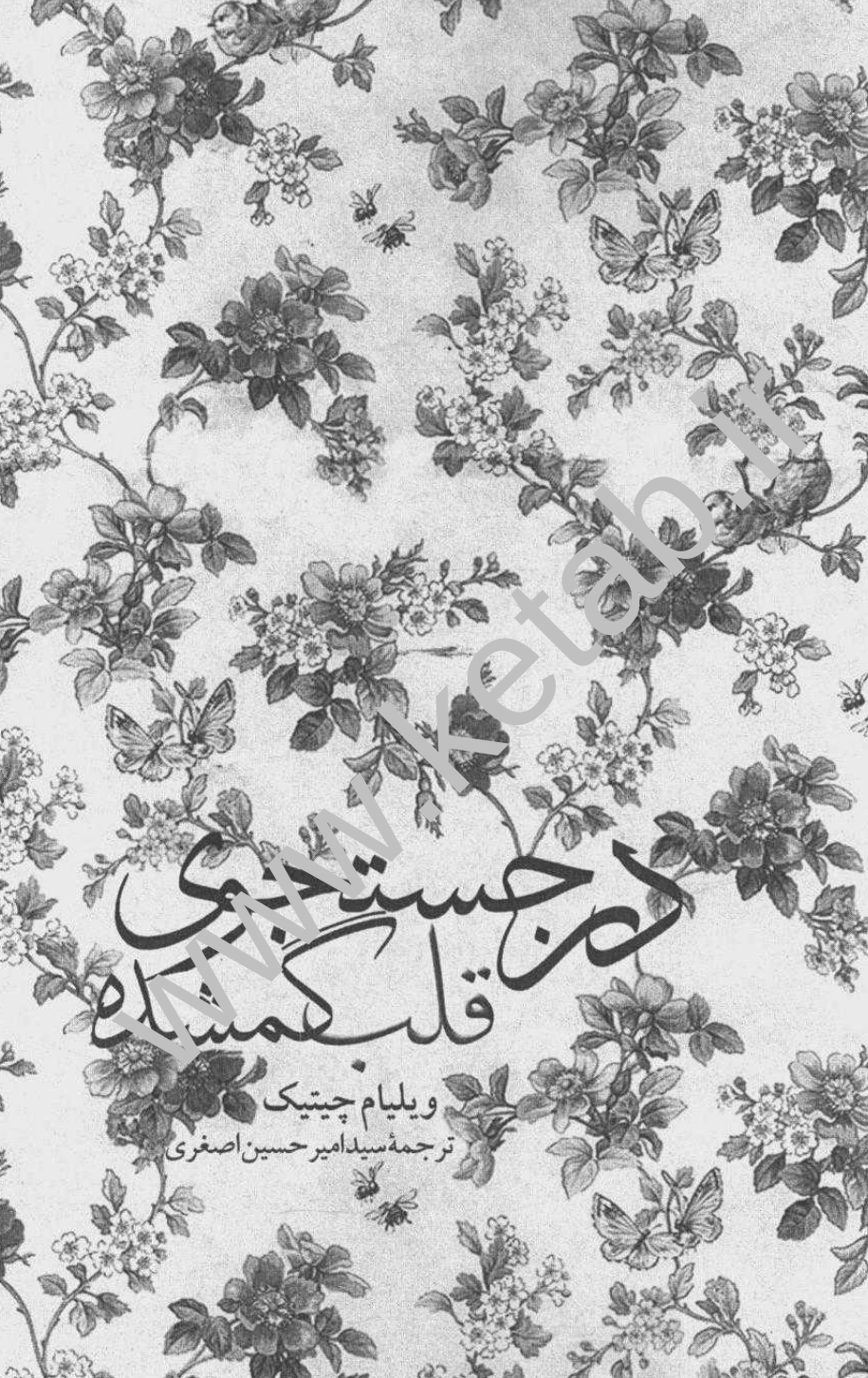




کتابخانه
Ketabo

حسن چیتیک قلب کمشاه

ویلیام چیتیک
ترجمہ سید امیر حسین اصغری

مطالعات اسلامی / عرفان

سرشناسه: چیتیک، ویلیام سی.، ۱۹۴۳ - م.

Chittick, William C.

عنوان و نام پدیدآور: جستجوی قلب گمشده / نویسنده ویلیام چیتیک؛

مترجم سید امیر حسین اصغری.

مشخصات نشر: تهران: سرفلا، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۲۸۰ س.؛ ۵/۵ × ۲/۵ م.

شابک: 978-600-96270-7-3

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: In search of the lost heart : explorations in.

Islamic thought

موضوع: تصوف

Sufism: موضوع

موضوع: اسلام -- عقاید

Islam -- Doctrines: موضوع

موضوع: عرفان

Mysticism: موضوع

شناسه افزوده: اصغری، امیرحسین، ۱۳۵۳ -، مترجم

Asghari, Seyed Amirhossein: شناسه افزوده

رده بندی کنگره: ۴۵۱۳۹۶ ج ۹۳ / ۲۸۸ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۸۴

شماره کتابشناسی ملی: ۴۵۲۴۱۱۶



داد جی نجوی قلب گمشده

ویلیام چینک

ترجمه سید امیر حسین ادیبی

مدیر هنری و طراح: شادی دلی

ویراستار زبانی و صفحه‌آرایی: بنفشه دادفر

چاپ اول: ۱۳۹۶

شمارگان: ۵۰۰

قیمت: ۲۹۰۰۰ تومان

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن به صورت کامل، یا بخشی از آن، به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر، اینترنت، الکترونیکی، فایل PDF) ممنوع است.

نشر فلات: تهران، خیابان فرجام، ابتدای گلشنی شمالی

شماره ۳۵، طبقه دوم، واحد ۴.

تلفن: ۷۷۷۲۴۳۷۳

www.nashrefalat.com

telegram.me/falatpub

www.instagram.com/falatpub

فهرست

۹	مقدمه مترجم
	الف: عرفان عملی و نظری
۱۳	سه مرتبه اسلام
۴۵	شکل جسمانی نماز
۵۱	بکاء در عرفان اسلامی
۷۱	حضور شاذلیه در اسلام شیعی
۷۵	نگاه کثرت‌گرای شعر عارفانه فارسی
۸۵	شمس تبریزی حقیقی
۹۷	قرآن، چون آینه عاشق
۱۱۵	دورساله از خواجه خرد
	ب: فلسفه اسلامی
۱۴۳	رومی و پای چوبین استدلال
۱۵۷	ملاصدرا و مسأله ادراک
۱۷۵	هدف فلسفه
	ج: تفکر اسلامی در دوران معاصر
۱۸۹	بن‌مایه‌های مابعدالطبیعی صالح و ستیز
۲۱۱	هم‌نوایی با هستی

• در جست وجوی قلب گم شده •

۲۲۱

شتران گم شده در چین

۲۴۱

در جست وجوی قلب گم شده

د: ضمیمه

۲۶۵

ترجمه انگلیسی رساله نور وحدت

THE LIGHT OF ONENESS

www.ketab.ir

مقدمه مترجم

دکتر ویلیام چیتیک یکی از دوست‌داران حکمت عرفانی-عقلانی اسلام و نمونه‌ای معاصر از این سنت است.^۱ حکمتی که مرز شرقی و غربی ندارد و انوارش بر همه جا ساطع است. این حکمت امتداد همان اعطای الهی است که گیرنده‌اش در نهایت «نه قرآنی متشکف به دارنده «خیر کثیر» شده است. اگر حکمت بر اساس «سنت نبوی (ص) ناقله ضالّه مؤمن باشد و در تعبیر قرآنی هم از آن به عنوان «خیر کثیر» یاد شده باشد، پس به راستی

۱. دکتر چیتیک خود در مقدمه‌ای که برای ترجمه فارسی این کتاب از کتاب «علم جهان، علم جهان نوشته بودند، چنین آورده‌اند: در آغاز وقتی دانشجو بودم، فهم آنکه تمدن‌های بزرگ جهان یک صدا درباره اهمیت انکارناشدنی زندگی هماهنگ با حقیقت، مابین سخن گفته‌اند به نقصان فرهنگ خودم پی بردم، خصوصاً بدان دلیل که حیات کنونی ما ماکائریست بعد از مرگمان را تصویر می‌کند. من در جامعه‌ای رشد کردم که در آن باور دینی مریه انتساب فدی بود که هیچ ارتباطی با واقعیت بیرونی نداشت. همه اساتید و معلمان من، ناقلان این اندیشه بودند که علم (به معنای امروزی انگلیسی آن- علوم طبیعی) سرچشمه معرفت واقعی است و این بهترین حالت تنها می‌تواند موجب آرامش روانی شود. در این بینش، دین بسته به انتخاب فردی است، اما ربطی به واقعیت خارجی ندارد.

وقتی کم‌کم با غنای تاریخی تمدن‌های جهان آشنا شدم، همواره خیرتم از خودمحوری این بینش افزون شد. از کودکی، در مدرسه، رسانه‌ها و فضای عمومی زمانه آموخته بودم همه خوبی‌ها متعلق به فرهنگ من است، علم و «پیشرفت» برترین نقطه‌های تاریخ انسان‌اند که آن هم به وسیله ما به انجام رسیده است و همه تمدن‌های دیگر کورمال کورمال به سمت آن چیزی رفته‌اند که عاقبت ما غربی‌ها آن را کامل کردیم. زمانی که وارد دانشکده شدم، روان‌شناسی انسان را به خوبی می‌فهمیدم که بدانم چنان بینشی نسبت به جهان مستلزم چه اندازه از غرور و خودستایی است که وقتی به ساحت فردی برسد، نمایانگر چه مایه نادانی و فقر واقع‌بینی و بی‌طرفی خواهد شد.

چه چیزی می‌تواند در حیات آدمی ارزشمندتر از آن باشد؟ و این حکمت، همان معرفت و عملی است که هر آدمی خود باید آن را در خود محقق کند. ملاصدرا از آن به صیروت انسان یاد می‌کند، به نحوی که او را چون جهانی عقلانی معادل جهان عینی بنماید. اما این صیروت و شدن و اتصاف نه تنها بر ساختن چیزی که یافتن چیزی است. یافتنی که هم با معرفت و هم با عمل به دست می‌آید. انسان اگر خلیفه خداوند در زمین باشد، که به اعتبار وحی الهی چنین است، همان صحیفه منطوی اسماء و صفاتی است که مظهریت کامل حق در او است. اما آنچه او را در این زمان و مکان از حکمت و یا شدن و صیروت دور کرده، همان غفلت است. آدمی در این هبوط با آغستگی به غمگینی و سرشته در نفس ناتوان اوست، آن نفخت فیه من روحی را که باید پیرایه نا نا امید، گم می‌کند. پیامبر (ص) از حکمت به عنوان شتر گم شده یاد می‌کند. اغراب را و انسان را خطاب می‌کند که مگر نه اینکه اگر شترت گم شده به و یا تعبیر امروزی اتومبیلت را در مکانش نمی‌یافتی، هراسان در پی اش می‌شدی اکنون بدان که من، یعنی نبی ختمی به تو می‌گویم: در این هبوط زمین! حیزی را گم کرده‌ای! افسوس اگر ندانی و آن حکمت است. شتر گم شده تر حکمت است که تو را از همه بیابان‌ها و گذرگاه‌ها به مدینه‌ات و به وطنت می‌رساند. بدان که این راه بادیه است و شب است و دشواری هست و بی آن ناله و غم نمی‌توان از این هبوط بدان صعود که سرنوشت تمام آدمیان است، دست برفت. گر همه از خداییم و به سوی خدا می‌رویم، بنابراین راهی را آمده‌ایم و راه را باز خواهیم گشت. ناله راهبر فطرتمان گم شده است و اگر از پی آن نباشیم، آن رت مانند آن داستان خر برفت، صبح که از خواب برمی‌خیزیم، می‌بینیم که خر برفته است، یعنی آن بیداری مثال همان حدیث نبوی است که فرمود: مردمان خواب‌اند، چون مردند بیدار می‌شوند. آن صوفی مقلد را گمان بر این بود که ذکر می‌گوید. خود مپندار که ذکرش هم چیزی جز غفلت بر او نیفزوده از آن رو که محقق نیست و مقلد است. یعنی اگر معرفت درونی نداشت و صاحب

حکمت نبود، نمی توانست به نحو مقتضی با اصل حقیقت مرتبط شود. اما داستان خواب آن است که چون صوفی از خواب برمی خیزد و یا به زبان حدیث می میرد، تازه با حقیقت آشنا می شود؛ زمانم تمام شد و من اکنون آهی در بساط ندارم و آنجا است که شیون و اسفا سر می دهد. شیونی که دیگر گم شده او را بدو باز نخواهد گرداند.

این کتاب، راهی است برای تأمل در آن گم شدهٔ انسانی و در سه بخش تنظیم شده است. بخش نخست آن در عرفان عملی و نظری است. البته از باب مقدمه و در این بحث، مقالهٔ نخست به تبیین مراتب سه گانهٔ اسلام، ایمان و احسان در تئیز اسلام می پردازد و اساس بحث را در آن بر حدیث معروف جبرئیل بنا می کند. به جبرئیل در آن در لباس دخیه کلبی از حضرت رسالت پناه تعریف اسلام را حدیث می شود. باقی مقالات این بخش در همان عرفان نظری و عملی در سنت اسلامی است.

بخش دوم نگاهی به فلسفه اسلامی است. در این بخش تنها سه مقاله در ترجمهٔ فارسی آمده است. البته برخی از مقالات که قبلاً به فارسی هم منتشر شده بودند، به همین زبان هم در دسترس اند. در این بخش، از یک سو تعامل عرفا با فلسفیدن در مقالهٔ مولوی و پای چوبین (مقدمه)، آمده و از سوی دیگر مسألهٔ مهم ادراک در فلسفهٔ صدرایی مورد بررسی قرار گرفته است که اهمیت ادراک در یافتن آن نافهٔ ضالهٔ مذکور را هم در آن می توان دانست. مقالهٔ نهایی و مهم این بخش هم هدف فلسفه است که در واقع به هدف حقیقت فلسفی از منظر زیست عقلانی در سپهر اسلام می پردازد.

بخش سوم به تعبیری می تواند مهم ترین بخش کتاب باشد، چرا که ضمن اشاره به وضعیت تفکر اسلامی در دوران معاصر به تعبیری از زاویهٔ حکمت اسلامی با انسان معاصر هم سخن گفته و ضمن سیر در هستی شناسی اسلامی و نسبت آن با جنگ و صلح و مانند آن به نحوی عینی تراز «قلب گم شده» سخن می گوید. نویسنده در این بخش جست و جویی برای «قلب گم شده» را پیام مشترک همهٔ ادیان می داند و حتی با اشاره به سنت کنفوسیوسی چینی و نحوهٔ به کار بردن آن به وسیلهٔ چینیان مسلمان در قرن

هفدهم میلادی برای بیان مقاصد اسلامی با آن اصطلاحات، پرده از این اشتراک در جست و جوی برمی دارد.

این سنت با آدمی بدین نحو برخورد می کند که کیستی و هویت معنوی و نقش وی را در هستی به وی بنمایاند و سپس براساس آن نقش تعریف شده، کارکرد واقعی وی را بدو نشان دهد.

چنان که اشاره شد، اصل این کتاب از نویسنده محقق و پرکار آن، حجیم تر از آنی است که در برابر شما است. اصل انگلیسی این کتاب را سه تا از علاقه مندان به دکتر چیتیک، یعنی دکتر محمد روستوم، کازیموراتا و عطیف خلیل که هر سه از محققان معرفت عقلانی فلسفی اسلام در آمریکای شمالی اند، ربایش کرده اند. کتاب اصلی را همان سال که انگلیسی آن منتشر شد بود این جانب در پی ترجمه اش برآمدم. اما این کار به عللی نیمه کاره ماند و من رنهایت به مدد سروران محترم انتشارات فلات تصمیم بر آن گرفتم تا آنجا که مقدور است و زمان اجازه می دهد، این کار را به سرانجامی برسانم که در آن پیام اصلی کتاب آمده باشد. در پایان نیز در ضمیمه کتاب ترجمه انگلیسی رساله نور و حیات حواجه خیر را آورده ام که در اصل انگلیسی کتاب دکتر چیتیک آمده است. این ترجمه خود موضوعیت دارد. چون اصل رساله به زبان فارسی است و مهم ترجمه معیار و زبانی انگلیسی آن است که خوانندگان علاقه مند، به کارایی و اهمیت آن واقف باشند.

در پایان ضمن سپاس از انتشارات فلات مخصوصاً جناب آقای دکتر فدایی مهربانی برای انتشار این اثر، از صبر و دردهای همسرم لیلا و فرزندم حامد حسین کمال سپاس را دارم. همچنین باید از جناب آقای دکتر اصغر قراخانی در دانشگاه بلومینگتون آمریکا به خاطر تمام التماس تشکر کنم. امیدوارم این اثر مقبول خوانندگان عزیز و مرضی حق جل و علا واقع شود.

والسلام

سید امیر حسین اصغری

اول رجب ۱۳۴۷ قمری / نهم آوریل ۲۰۱۶

بلومینگتون، آمریکا